

زنانی دیگر حرف اول و آخر: مردم

«مرگ بر دیکتاتور» شعاری برخاسته از گلوی مردمی است که سیسال چکمه خونین حافظان حکومتی نظامی - مذهبی بر آن فشرده شده است. حکومت سی سالهای که هیچگونه مطالبات انسانی را برنمیتابد و با ساختاری به شدت پلیسی - امنیتی و تحت نام مصلحت اسلام اقتدار ظاهری خود را حفظ کرده است. تمامی این سالها حکومت سعی میکرد شکافهای درون خود را مخفی کرده و خود را نظامی یکپارچه تحت لوای اسلام و ولایت فقیه نشان دهد و از این ابزار برای تطمیع بخشی از مردم و سرکوب بخش دیگر استفاده کند. انتخابات دور دهم ریاست جمهوری ضربه خرد کنندهای بر شکاف موجود در نظام وارد کرد. ضربه ای که اختلافات درون هیئت حاکمه را پررنگتر و نمایانتر کرد، بطوری که با هیچ ملاتی قابل پوشش نیست.

اما این یک طرف قضیه است. طرف دیگر که خود عاملی بسیار تعیین کننده در جهت تعمیم این تضادها بوده، همانا مردمی هستند که بخشا پشت سر دو نامزد به اصطلاح اصلاح طلب گرد آمدهاند. موسوی و کروبی با شعار اجرای صحیح اصول قانون اساسی و یا تغییراتی در آن پا به میدان گذاشتند. بخشی از جریانات سیاسی گرد این دو نامزد جمع شده و مردم را تشویق به شرکت در انتخابات کردند. اکثریت کسانی که به این دو نامزد رای دادند اعتقاد داشتند بین بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. حضور گسترده مردم، حتی بخشی از تحریمیها، در صفوف رای دهندگان نمایانگر پیروزی یکی از این دو نامزد، بخصوص موسوی بود.

اما ورق به گونه ای دیگر برگشت. در یک مضحکه، نام احمدی نژاد با ۲۴ میلیون رای از صندوقهای آرا بیرون آمد. این اشتباه تاریخی بزرگی بود که رژیم اسلامی مرتکب شد که میتواند تیشه به ریشه سی ساله رژیم بزند. طعم قدرت و تسخیر منابع اقتصادی چنان به مذاق جریان حامی احمدی نژاد خوش آمده است که حاضر نیست آنرا با شرکای دیرینه اش تقسیم کند و این چنین شد که موسوی و کروبی با ناباوری در نمایشی قرار گرفتند که سناریویش را از قبل پیشبینی نکرده بودند. سناریویی که مردم نوشتند و آنان را وادار به ارائه نقشی ناخواسته کردند. اینکه جریانات حامی موسوی و کروبی تا کجا با موج حق طلبانه مردم همراهی میکنند نباید دلمشغولی اساسی مردم باشد. زیرا بخشی از حکومت که اکنون به اپوزیسیون پیوسته و داعیه رهبری را دارد، سعی میکند جنبش مردم را مهار کرده و به بیراهه کشاند (اتفاقی که در سال ۵۷ رخ داد). آنان سعی میکنند خواسته های مردم را در بهترین حالت، به یک فریاد مجدد کاهش دهند که نتیجه چنین امری نهایتا پیروزی موسوی و تثبیت حاکمیت خواهد بود. بنابراین آنچه در این مقطع تاریخی اهمیت مییابد، هشیاری مردم و جریانات پیش بینی سیاسی و جنبشهای مدنی. روبه رشد از یک طرف، و تلاش در جهت تشکل یابی و طرح خواستههایشان است. اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد امری سهل و بدیهی نیست. اما آنچه که مردم به دست خواهند آورد پس گرفتنی نخواهد بود و آن ارتقا آگاهی ایشان، ایجاد جریانات و تشکلهای مردمی، تعمیق خواسته ها و شکستن تابوی نیروی نظامی و قدرت سرکوبگر است. نتیجه ی دیگر حضور فعال و پیگیر مردم ترس رژیم از تکرار مجدد چنین نمایشهایی و به سخره گرفتن خواست و حق مردم است و هیچکدام از اینها، دستاوردهای کوچکی نخواهند بود.

ما به عنوان زنانی دیگر دلایل تحریم فعالانه ی خود را در بیانیه های قبلی بیان کردیم، و در شرایط مشخص کنونی نیز اعلام میکنیم که همانند تمامی زنان، مردان و جوانان این مرز و بوم تا رسیدن به خواسته های نهائیمان که همانا استقرار جامعه ای مبتنی بر آزادی و عدالت اقتصادی و رفع هرگونه ستم طبقاتی، جنسیتی، ملیتی، مذهبی و نژادی است، پیگیرانه مبارزه کنیم.

رژیم جمهوری اسلامی از تمامی امکانات نظامی خود به شیوه ای وحشیانه برای سرکوب حرکت های اعتراضی مردم استفاده می کند. تیراندازی و ضرب و شتم و کشتار مردمی که تظاهراتی آرام را برگزار می کنند، نشانگر تنفر حاکمان از مردم است. ما ضمن محکوم کردن حمله ی وحشیانه نیروهای سرکوبگر به تحرکات مردمی در تهران و شهرستان ها که تا به حال منجر به کشته شدن تنی چند از آنان شده است، اعلام می داریم صفوف به هم فشرده ی مردم با شعار آزادی و مرگ بر دیکتاتوری هیچ گونه سازش و معامله ی سیاسی را برنمی تابد و تا تحقق کامل خواسته هایش، محکمتر به پیش خواهد رفت.